



### ۳- عنصر معنوی:

جرم رشوه یکی از جرایم عمدی است و این امر را می توان از عبارات مندرج در ماده (۵۹۲) ق.م.ا. که به جرم انگاری رشا پرداخته، فهمید؛ زیرا این قانون از قیدهایی مانند عالماً و عامداً استفاده کرده است ولی در ماده (۳) قانون تشدید ذکری از این واژه به عمل نیامده است لکن آن چه مسلم است این است که برای تحقق هر دو جرم باید راشی از روی عمد و وجهی را به مرتشی داده باشد و مرتشی نیز از روی عمد آن وجه را قبول کرده باشد.

در خصوص عناصر تشکیل دهنده عنصر معنوی در این جرم باید به این موارد اشاره کرد:

۱- علم: در این جرم دو گونه علم باید برای طرفین باید محقق گردد تا جرم رشوه به وجود آید: الف) علم راشی و مرتشی نسبت به سمت مرتشی؛

ب) علم مرتکب به این که وجه یا مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده آن است، داده می شود.

سوء نیت در جرم ارتشاء (سوء نیت عام) قصد اخذ و تحصیل منفعت یا قصد قبول وجه یا مال یا سند اخذ وجه یا تسلیم مال است و به نیازی سوء نیت خاص نیازی ندارد و در جرم رشا نیز سوء نیت عام قصد دادن وجه یا مال به کارمند دولت است و به نیازی سو نیت خاص نیازی ندارد.

۲- انگیزه: در جرم رشوه انگیزه عبارت است از انگیزه مرتشی در انجام یا عدم انجام کاری که مربوط به وظیفه است اما انگیزه در این جرم و تحقق آن تأثیری ندارد.

## بررسی تطبیقی پیرامون جرم رشوه ملی و رشوه بین المللی

سید مهدی موسوی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

### مبثی کوتاه در جرم انگاری خاص رشوه:

همان طور که قبلاً اشاره نمودیم در حقوق ایران رشوه دارای دو حکم است؛ حکم عام که همان ماده (۳) قانون تشدید مجازات ... و ماده (۵۹۲) ق.م.ا. می باشد؛ همچنین حکم تشدید رشوه در ماده (۴) قانون تشدید بیان شده است لکن رشوه حکم خاصی هم دارد و آن ها عبارتند از: الف) رشا و ارتشای داوران و ممیزان و

کارشناسان، که ماده (۵۸۸) قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می دارد: «هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین چنان چه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیمی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آن چه گرفته، به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.»

آن چه در این ماده به چشم می خورد دو واژه کارشناسان و داوران است که ممکن است دارای ابهاماتی باشند و ذهن خواننده را مشغول کنند. منظور از کارشناسان در این ماده لزوماً کارشناسان رسمی دادگستری نمی باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴۱ مورخ ۲۰/۲۰/۷۲ اظهار داشته است: «با عنایت به ماده (۲۹) قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ هرگاه در مورد خاص کارشناس رسمی وجود نداشته باشد دادگاه‌ها و دادرها می توانند از بین اشخاصی که نسبت به موضوع دارای اطلاعاتی باشند یک نفر معتمد را به عنوان کارشناس تعیین نمایند و کارشناسان مذکور مشمول مقررات مربوط به کارشناسان خواهند شد و کارشناس مورد بحث به استناد ماده (۱۴) همین قانون در صحت کفایت دلایل، مرتشی محسوب و قابل تعقیب می باشد.»

در مورد داوران تردیدی وجود ندارد که منظور اشخاصی هستند که بدون برخورداری از مقام قضایی توسط طرفین یا نهاد منصوب کننده به عنوان داور برای حل و فصل اختلاف برگزیده شده اند. آن چه که در این ماده به چشم می خورد این است که پرداخت وجه یا مال منتج به اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم به نفع راشی شده باشد و این به عنوان فرضیه اول در این ماده مطرح می شود اما فرضیه دوم این است که داور یا کارشناس، وجه یا مال را از راشی گرفته باشد ولی حکم دادگاه مبتنی بر نظر کارشناس یا داور نبوده باشد و فرضیه سوم را می توان این گونه مطرح کرد که حکم داور یا کارشناس بر اساس رشوه به نفع راشی صادر شده باشد به نفع راشی ولی این حکم داور یا کارشناس مبنای حکم دادگاه قرار نگرفته باشد و تنها نفس گرفتن پول یا وجه یا مال برای دادن حکم خلاف حق است که از نظر این ماده قبیح و قابل مجازات می باشد و به نظر تفسیر اخیر از ماده (۵۸۸) ق.م.ا. با هدف قانونگذاری منطبق و هماهنگ تر می باشد.

ب) رشوه از قدیم و دیرباز با نام قضاات عجین شده است؛ گویی که هر گاه نام رشوه را می شنویم نام قضاات در ذهن تداعی می شود؛ چرا که این امر

ریشه تاریخی دارد. در همین خصوص ماده (۵۸۹) ق.م.ا. بیان می دارد: "در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشا حکم به مجازاتی اشد از مجازات قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشا حسب مورد به مجازات مقدار زاید که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد."

اولین نکته ای که در این ماده به چشم می خورد این است که آیا منظور از حکام محاکم فقط قضاات دادگاه ها می باشند یا خیر؟ اگر این گونه باشد تکلیف دادیاران و بازپرس ها که اعمال مندرج در این ماده قانونی را انجام می دهند، چیست؟ و یا تکلیف صادر کنندگان آرا در شعبات تعزیرات حکومتی در صورتی که در اثر رشوه حکم به مجازات بیشتر چیست؟

البته با توجه به متن ماده قانونی و عبارت (حکام محاکم) به نظر می رسد ماده فوق شامل قضاات دادگاه ها می شود و این یک نقص قانونی به شمار می آید. دومین نکته ای که در این ماده می تواند پرسش برانگیز باشد این است که ماده بیان می دارد: «در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشا حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند...»

آیا منظور ماده فقط این است که هر گاه حکام



**هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین چنانچه در مقابل افذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتفاذ تصمیمی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آن چه گرفته، به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد**

محاکم رشوه دریافت نمایند و حکم به مجازات اشد بدهند، مشمول ماده می شوند؟ در واقع هر گاه حکام محاکم رشوه دریافت کنند و حکم به مقدار قانونی ولی به ناحق دهند مشمول این ماده می شوند یا خیر؟

سومین نکته این است که منظور از مجازات اشد چیست؟ در این که به چه مجازاتی اشد گفته می شود در قانون حکم صریح و روشنی وجود ندارد. دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸-۷۵/۶/۲۷ مجازات اشد را حداکثر مجازات مقرر قانونی دانسته است. از توجه به مواد (۴۶) و (۴۷) ق.م.ا. این گونه استنباط می شود که مجازات اشد حداکثر مجازات قانونی است اما از ظاهر ماده (۵۸۹) ق.م.ا. این گونه استنباط می شود که مجازات اشد مجازاتی زیادتر از مجازات قانونی است و به همین علت است که در آخر ماده آمده است قاضی به مجازات مقدار زایدی که حکم داده محکوم می شود و بنابر این مقصود قانون گذار از این ماده این نبوده که مجازات اشد همان حداکثر مجازات قانونی است؛ زیرا در این صورت می توانست از عبارت حداکثر مجازات قانونی استفاده نماید. نکته بعدی این است که در خصوص مجازات حکام محاکم این ماده مقرر می دارد: «علاوه بر مجازات ارتشا حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم قرار گرفته محکوم می شوند.» مجازات ارتشا، بیان شده در این ماده، چیست؟ آیا منظور مجازات مقرر در ماده (۳) قانون تشدید است؟ اگر به این نحو باشد در این صورت حکم خاص رشوه که رشوه قضاات است موقوف به ماده (۳) قانون تشدید مجازات... در مجازات است و اگر به این صورت نباشد؛ پس چرا متن ماده در مورد مجازات این افراد چیزی بیان نکرده است؟

### ۱- رشوه بین المللی:

#### الف) کنوانسیون پارمو:

کنوانسیون پارمو همان گونه که گفتیم کنوانسیون مصوب سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی در پارلمو ایتالیا) می باشد و در ماده (۸) خود مبحثی را به موضوع فساد مالی اختصاص داده است<sup>(۱)</sup>

ب) **کنوانسیون مریدا:** این کنوانسیون که در سال ۲۰۰۳ میلادی برای مقابله با فساد مالی از سوی سازمان ملل تصویب شد - همان طور که بیان شد - ارتشا را به سه بخش تقسیم نموده است عبارتند از:

- ۱- ارتشا مقامات دولتی داخلی ماده (۱۵)؛
- ۲- ارتشای مقامات دولتی خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی در ماده (۱۶)؛
- ۳- ارتشا در بخش خصوصی مندرج در ماده (۲۱) کنوانسیون مریدا.

ج) **بررسی عناصر سه گانه جرم ارتشاء در اسناد بین‌المللی:**

۱- **عنصر قانونی و مادی جرم در اسناد بین‌المللی:**  
عنصر قانونی این جرم در دو سند بین‌المللی مورد بررسی بیان شد اما به بررسی دو عنصر دیگر (مادی و معنوی) می‌پردازیم:

در بحث عنصر مادی در اسناد بین‌المللی باید به مانند قوانین داخلی بحث را در سه محور زیر مطرح کنیم:

الف) رفتار مرتکب: رفتار مرتکب را در این اسناد باید در دو بخش رشا و ارتشا مورد بررسی قرار داد. در بند «الف» ماده (۸) کنوانسیون پالمو در جرم انگاری رشا رفتار مرتکب عبارت است از وعده‌ی اعطا یا عرضه یا اعطای یک مزیت نا به جا به یک کارگزار عمومی.

اما رفتار مرتشی (در بند «ب» ماده ۸ این کنوانسیون) عبارت است از درخواست یا پذیرش یک مزیت نا به جا لکن رفتار مرتکب در کنوانسیون مریدا در مواد (۱۵)، (۱۶)، (۲۱) در جرم انگاری اخذ رشوه توسط مقامات دولتی داخلی و مقامات دولتی خارجی و ارتشا در بخش خصوصی، این گونه بیان شده است:

رفتار راشی عبارت است از وعده، ارائه یا دادن یک امتیاز بی مورد.

رفتار مرتشی عبارت است از درخواست یا قبول امتیاز بی مورد.

ب) **خصوصیت مرتکب:** راشی در هر دو کنوانسیون دارای خصوصیت خاصی نیست و با توجه به عبارات کنوانسیون هر شخص می‌تواند راشی باشد اما مرتشی در کنوانسیون پالمو یک



## در این که به چه مجازاتی اشد گفته

می‌شود در قانون مکه صریح و روشنی وجود ندارد. دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸-۲۷/۶/۷۵ مجازات اشد را حداکثر مجازات مقرر قانونی دانسته است. از توجه به مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) ق.م.ا این گونه استنباط می‌شود که مجازات اشد حداکثر مجازات قانونی است اما از ظاهر ماده (۵۸۹) ق.م.ا این گونه استنباط می‌شود که مجازات اشد مجازاتی زیادتر از مجازات قانونی است

کنوانسیون مقام دولتی به معنی شخصی است که یک کار دولتی را انجام می‌دهد یا همان طور که در قانون داخلی کشور عضو تعریف شده و همان گونه که در زمینه مربوط قانون کشور عضو به کار رفته، خدمات دولتی ارائه می‌دهد.

اما در ماده (۱۶) و در جرم انگاری مقامات دولتی خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی راشی دارای این خصوصیت است:

مقام دولتی خارجی که در ماده (۲) کنوانسیون این گونه تعریف شده: «به هر شخصی اطلاق می‌شود که شغل قانون‌گذاری، اجرایی، اداری یا قضایی یک کشور خارجی را اعم از انتصابی یا انتخابی بر عهده دارد و هر شخصی که یک شغل دولتی را برای یک کشور خارجی از جمله یک نهاد یا مؤسسه دولتی انجام می‌دهد. مقام یک سازمان عمومی بین‌المللی، به کارمند بین‌المللی اطلاق می‌شود که توسط چنین سازمانی مجاز می‌باشد از طرف آن سازمان اقدام نماید.»

ج) **موضوع جرم:** موضوع جرم ارتشا در کنوانسیون‌های سازمان ملل همان گونه که ذکر نمودیم اعطای یک امتیاز یا یک مزیت نا به جا می‌باشد.

در ماده (۸) کنوانسیون پالمو که به جرم انگاری رشاء و ارتشاء در دو بند پرداخته شده موضوع جرم در هر دو بند وعده اعطا یا عرضه یا اعطای یک مزیت نا به جا قلمداد شده است. همچنین در مواد (۲۱) و (۱۶) و (۱۵) کنوانسیون مریدا جرم ارتشا در سه بخش تقسیم بندی شده و موضوع این جرم، وعده ارائه یا دادن یک امتیاز بی مورد در جرم رشا و در خواست یا قبول بی مورد یک امتیاز بی مورد در جرم ارتشا نیز بیان گردیده است.

همان گونه که ملاحظه می‌نماییم رشوه در این دو کنوانسیون محدود به پول و مال و سند پرداخت وجه نمی‌شود و عباراتی مثل مزیت و امتیاز که در این اسناد بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته، معانی بسیار وسیع تری نسبت به وجه یا مال دارند و این نکته موضع قوانین ایران را در قبال کنوانسیون‌های بین‌المللی محدودتر می‌کند؛ چرا که مزیت و امتیاز عوامل غیر مادی را هم در بر می‌گیرد و این موضوع که ما به ازای

کارگزار عمومی بیان شده است. و در بند "۴" همین ماده از کنوانسیون «کارگزار عمومی» این گونه تعریف شده است: "کارگزار عمومی عبارت است از هر شخصی که حسب تعریف حقوق داخلی و به شرح مندرج در حقوق کیفری دولت عضوی که شخص مزبور به ایفای وظیفه محوله می‌پردازد به ارائه یک خدمت عمومی مشغول است."

اما مرتشی در ماده (۱۵) کنوانسیون مریدا یک مقام دولتی ذکر شده و در ماده (۲) از این کنوانسیون مقام دولتی داخلی عبارت است از:

۱- هر شخص که دارای شغل قانون‌گذاری، اداری یا قضایی در کشور اعم از انتصابی یا انتخابی و دائم یا موقت باشد و حقوق دریافت کند یا نکند صرف نظر از ارشدیت وی.

۲- هر شخص دیگری که کار دولتی انجام می‌دهد از جمله برای نهاد یا مؤسسات دولتی یا همان طور که در قانون داخلی کشور عضو تعریف شده است و همان گونه که در زمینه مربوط قانون کشور عضو به کار رفته است، خدمات دولتی ارائه می‌دهد.

۳- هر شخص دیگری که به عنوان مقام دولتی در قانون کشور عضو تعریف شده باشد. در هر حال از نظر بعضی اقدامات مندرج در فصل (۲) این

غیرمادی، و سوسه انگیز تر و مفسده آمیز تر است در بعضی از موارد نسبت به مابه ازای های مادی و خارج کردن آن ها از دایره شمول جرم رشوه صحیح به نظر نمی رسد. کاری که در قوانین ایران انجام نشده لکن این امر در اکثر کشورهای دنیا رعایت شده است؛ مثلاً در قانون عقوبات مصر به تصریح ماده (۱۰۷)، هدیه اعم است از چیزی است که مرتشی از آن فایده ای می برد، یعنی هم فایده مادی مدنظر است و هم فایده غیر مادی.

در حقوق انگلستان هم به موجب قانون موضوعه برای یک عضو نهاد های عمومی که جهت انجام کاری که جزء وظایف نهاد مذکور است، هدیه و وام و دستمزد و یا مزیتی کسب نماید یا توافق به گرفتن آن برای خود یا دیگری کند و نیز برای کسی که مستقیماً یا به واسطه دیگری چنین چیزهایی را به عضو مذکور بدهد یا قول دادن آن ها را به وی برای استفاده خودش یا دیگری بدهد؛ مجازات تا هفت سال حبس پیش بینی شده است.

نکته دیگری که با مطالعه مواد مربوط به رشوه در قوانین ایران به آن پی می بریم این است که هر چند جنبه مالی آن چه گرفته می شود و آن چه به عنوان رشوه داده می شود در حقوق ایران دارای اهمیت است اما کم و زیاد بودن آن تأثیری در مسوولیت مرتکب ندارد؛ هر چند ممکن است در میزان مجازات وی مؤثر باشد.

و نکته دیگری که در مطالعه مواد مربوط به رشوه در ایران و اسناد بین المللی متوجه می شویم این است که حتماً لازم نیست که آن چه داده می شود و آن چه گرفته می شود برای خود فرد باشد و اگر به شخص ثالثی نیز داده شود کافی است و همچنین حتماً لازم نیست که قبل از انجام کار به مرتشی داده شود.

## ۲- عنصر معنوی:

در بررسی مواد کنوانسیون های بین المللی در مقایسه با قوانین داخلی به این نتیجه می رسیم که ارتشا در اسناد بین المللی نیز به مانند قوانین داخلی دارای همان سوء نیت، علم و انگیزه می باشد و به طور کلی جرم رشوه بدون عمد و سو نیت محقق نخواهد شد.

بررسی تطبیقی اسناد بین المللی و قوانین مربوط به رشوه خاص:

## الف) بررسی ماده (۵۹۲) ق.م.ا. و بند الف از ماده (۸) کنوانسیون پالمو:

همان طور که ملاحظه می شود تفاوت هایی بین این ماده از کنوانسیون و مواد قانون مجازات اسلامی که به جرم انگاری رشوه پرداخته اند، می بینیم که اولاً در ماده (۸) از کنوانسیون پالمو فعل مادی در دو جرم رشا و ارتشا به صورت جداگانه آورده شده ولی در قانون ما ارتشا ذیل یک عنوان به نام قانون تشدید مجازات ... و رشا در قانون دیگر به نام قانون مجازات اسلامی در ماده (۵۹۲) بیان شده است.

۱- در بند "الف" ماده (۸) کنوانسیون - که به جرم انگاری رشا پرداخته - عنصر مادی شامل سه بخش وعده، عطا، عرضه یا اعطای ک مزیت نا به جا آمده است.

بر خلاف ماده (۵۹۲) که وعده ای دادن وجه یا مال را از مواردی دانسته که فرد راشی محسوب می شود عبارت اعطا نمودن در بند "الف" ماده (۸) کنوانسیون به کار رفته است.

۲- موضوع جرم در ماده (۸) کنوانسیون یک مزیت نا به جا می باشد؛ بر خلاف قانون ایران که موضوع جرم وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی ذکر شده است.

۳- نحوه پرداخت وجه در ماده (۵۹۲) ق.م.ا. هم



در جرم انگاری افذ رشوه توسط مقامات دولتی داخلی و مقامات دولتی خارجی و ارتشا در بخش فصوصی، این گونه بیان شده است: «رفتار راشی عبارت است از وعده، ارائه یا دادن یک امتیاز بی مورد. رفتار مرتشی عبارت است از درخواست یا قبول امتیاز بی مورد.»

به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم بیان شده است؛ در صورتی که در ماده (۸) کنوانسیون فقط شیوه پرداخت مستقیم مورد قبول واقع شده است.

## ب) بررسی بند "ب" ماده (۸) کنوانسیون پالمو و تفاوت آن با ماده (۳) قانون تشدید از لحاظ عنصر مادی:

۱- فعل مادی که برای مرتشی در نظر گرفته شده است «درخواست و پذیرش» از طرف مرتشی می باشد ولی در ماده (۳) قانون تشدید فعل مادی «قبول کردن» می باشد.

۲- موضوع جرم در این بند از کنوانسیون «مزیت نابجا» است لکن در ماده (۳) قانون تشدید، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال ذکر شده است.

۳- در این بند از ماده (۸) کنوانسیون برخلاف بند قبلی نحوه دریافت مزیت نا به جا هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم پذیرفته شده است.

۴- همچنین در ماده (۳) قانون تشدید بین حالتی که «مرتشی کار را انجام دهد یا خیر و یا انجام آن بر طبق حقانیت بوده است یا خیر» فرقی نیست که به نظر در کنوانسیون نیز صدق می کند.

۵- در هر دو بند ماده (۸) آمده آن چه را که راشی به عنوان رشوه به مرتشی می دهد، فرقی ندارد برای خودش باشد یا برای شخص دیگر یا نهاد دیگر و این امر که آیا باید آن چه را که به عنوان رشوه به مرتشی داده می شود برای خود او باشد یا برای دیگری در حقوق ایران مورد اختلاف است.

ج) مقایسه ماده (۱۵) کنوانسیون مریدا با مواد (۵۹۲) ق.م.ا. و ماده (۳) قانون مجازات ...

آن چه که می بینیم این است که این ماده از کنوانسیون به مانند ماده (۸) کنوانسیون پالمو دو جرم رشا و ارتشا را از هم تفکیک نموده است.

د) تفاوت های بین بند «الف» ماده (۱۵) و ماده (۵۹۲) ق.م.ا. دیده می شود که به آن ها اشاره می شود:

الف) به مانند کنوانسیون پالمو در عنصر مادی رشا فعل مرتکب شامل «وعده، ارائه یا دادن» بیان شده است برخلاف ماده (۵۹۲) ق.م.ا. که بیان داشته وجه یا مال داده شود.»

ب) نحوه دادن یا ارائه یا وعده دادن یک امتیاز بی مورد در کنوانسیون به مانند ماده ق.م.ا (۵۹۲) هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بیان شده است دقیقاً بر خلاف کنوانسیون پالمو که پرداخت مستقیم را پذیرفته است.

هـ- بند «ب» ماده (۱۵) کنوانسیون مریدا و ماده ۳ قانون تشدید مجازات ...

الف) فعل مادی مرتشی در این بند از ماده (۱۵) کنوانسیون «درخواست یا قبول» بیان شده است در صورتی که در ماده (۳) قانون تشدید تنها به «قبول کردن» اشاره شده است.

ب) موضوع جرم که باید راشی به مرتشی بدهد «امتیاز بی مورد» ذکر شده لکن در ماده ۳ قانون تشدید «وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال» ذکر شده است.

نحوه دریافت مزیت در این بند نیز مانند بند «الف» همین ماده هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم پذیرفته شده است.

۲- فرقی ندارد که امتیاز بی مورد که به مرتشی داده می شود به نفع خودش باشد یا شخص یا واحد دیگر، درست به مانند قوانین داخلی کشور ما.

### ارتشادر بخش خصوصی مندرج در ماده (۲۱) کنوانسیون مریدا و قوانین داخلی:

گاهی گفته شده ارتشا از سوی کارمند بخش دولتی به خاطر ارتباط کار وی با بخش عظیمی از مردم بسیار خطرناک تر و مضرتر است نسبت به ارتشا از سوی کارمند بخش خصوصی. در پاسخ می توان گفت امروزه مرز بندی میان عملکرد بخش خصوصی و دولتی چندان روشن نیست؛ چرا که بسیاری از وظایفی که به طور سنتی دولت ها متصدی هستند به بخش خصوصی واگذار گردیده است؛ مانند تأمین آب و برق و گاز. ممکن است در این خصوص باز هم گفته شود که این جرم باید شامل تمام افرادی شود که به انجام وظیفه عمومی می پردازند که این تفکر نسبت به تفکر اولی بهتر است لکن آیا فعالیت یک شرکت سهامی عام هم تحت شمول این طرز فکر قرار می گیرد؟

آنچه مسلم است این است که دولت باید بر بخش خصوصی نیز به مانند بخش دولتی نظارت

می توان آن ها را در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) ویرانی اخلاق اجتماعی؛

ب) خلع دستگاه اداری و اقتصادی کشور؛

ج) نابود کردن روند توسعه و اعتماد مردم به دستگاه اداری و اجرایی کشور.

در بررسی مواد مربوط به رشوه به نتایج زیر دست می یابیم:

الف) جرم رشوه جرمی است واجد جنبه عمومی و غیر قابل گذشت؛

ب) با گذشت زمان مجازات جرم رشوه افزایش می یابد و افزایش مجازات نشان از اهمیت جرم دارد و حساسیت قانون گذار نسبت به آن؛

ج) گیرنده وجه یا مال باید علم و اطلاع و سوءنیت نسبت به اقدام به گرفتن وجه یا مال داشته باشد؛

د) اگر جرم رشوه به صورت بانندی و گروهی و تشکیل شبکه چند نفری ارتکاب یابد براساس ماده (۴) قانون تشدید اگر مصداق مفسد فی الارض باشد، مجازات مرتکبین مجازات مفسد فی العرض است؛

ه) جرم رشای نیز از جمله جرایم عمدی است و در صورتی تحقق می یابد که راشی آگاهانه و با سو نیت و سازش و تبانی با یکی از افراد گفته شده در ماده (۳) قانون تشدید، مال یا وجه یا سند تسلیم مالی را داده و مرتشی نیز با علم و آگاهی آن را گرفته باشد؛

و) رشوه از لحاظ اجتماعی باعث ضررهای فردی به علاوه اختلال در نظم عمومی می شود؛ پس

ارتکاب این جرم علیه آسایش عمومی تلقی می شود و موجب بی اعتباری حکومت و کاهش اعتماد مردم نسبت به دستگاهها و سازمانها می گردد؛

ز) رشوه دارای علل و عواملی می باشد که باعث رشد و گسترش آن می شود:

۱- تبعیض و ایجاد شکافهای فاحش اقتصادی؛

۲- نبودن وجدان دینی؛

۳- هرج و مرج و عدم قانونمندی.



## رشوه دارای علل و عواملی

### می باشد که باعث رشد و گسترش

### آن می شود:

#### ۱- تبعیض و ایجاد شکافهای

#### فاحش اقتصادی؛

#### ۲- نبودن وجدان دینی؛

#### ۳- هرج و مرج و عدم

#### قانونمندی.



نماید و باید مقررات راجع به رشوه خواری نظیر اخذ کمیسیون های غیر قانونی را به همه کسانی که چه در بخش دولتی و چه خصوصی خدمت می کنند. اعمال کند و این موضوع را به گردن قاضی بنهد که با توجه به سمت شخص که در چه بخشی خدمت می کند مجازات وی را تعیین کند و راه دیگر آن است که سمت دولتی فرد در خود قانون بعنوان یک کیفیت مشدده محسوب گردد؛ آن چنان که ماده (۱) قانون تشدید در مورد کلاهبرداری که جزء کارکنان دولت می باشند چنین کرده است.

### نتیجه گیری:

از آن چه که در این مجال کوتاه به آن اشاره نمودیم دیدیم که رشوه در روزگار ما ابعاد پیچیده ای یافته و نحوه ارتکاب آن تغییر کرده که این تغییر همراه با پیچیدگی ها و روابط نزدیک دولتها و ملتها و گسترش ارتباطات و مناسبات ملی و جهانی رو به گسترش است و رشوه در عصر امروز دیگر محصور در رشوهی قضات نیست بلکه رشوهی قضات جزء کوچکی از رشوه هایی است که در سطح بین المللی اتفاق می افتد و ممکن است منافع ملی و مردمی یک کشور را در معرض خطر قرار دهد.

رشوه دارای آثاری در جامعه می باشد که